



## Assessing The International Trade Law in ECO Countries

Ebrahim Dorouzi

Master of International Law, Shahrekord  
dorouzi@yahoo.com

### Abstract

Today, economic issues are an integral part of every government. The present study deals with the evaluation of international trade-based laws in the member countries of the Organization for Economic Co-operation and Development. ECO organization strives to improve the economy and help member countries to achieve sustainable economic development, but the member countries are developing countries, for this reason there are inconsistencies and economic irregularities in them, so the producers have turned to cheap imports and the sectors services grow inefficiently and unnecessarily in them, and this means staying away from the main goals of this organization and will not bring any result other than the ineffectiveness of this regional organization. Therefore, this study primarily examines the trade index in the member countries of the Economic Cooperation Organization and then introduces the main determinants of trade and further examines the effect of international investment treaties on the rules of customary international law. The results of the study show that the member countries of the Economic Cooperation Organization with the average index of intra-industry trade in the period of 2003-15 are very low and do not have a suitable and advanced industrial and legal infrastructure. The level of intra-industry trade is much lower than that of industrialized countries, especially in European Union countries, which have an average index of intra-industry trade of around 69%. Also, some political relations and international relations have fueled the inefficiency and progress of this organization. This article is written based on the descriptive and analytical study of authentic documents and sources.

**Keywords:** international law, trade, voluntary validation, legalization validation, ECO member states

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

Received: 28/November/2021

Accepted: 01/July/2022

ISSN: 2783-3631

## ارزیابی حقوق بین‌الملل مبتنی بر تجارت در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، شهرکرد  
dorouzi@yahoo.com

ابراهیم دوروزی

### چکیده

امروزه مسائل اقتصادی، جزء لاینفک هر دولتی است. مطالعه‌ی حاضر به ارزیابی حقوق بین‌المللی مبتنی بر تجارت در کشورهای عضو «سازمان همکاری‌های اقتصادی» صورت می‌پردازد. «سازمان اکو»<sup>۲</sup> با هدف بهبود اقتصاد و یاری کشورهای عضو برای رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی پایدار تلاش می‌نماید لکن کشورهای عضو، کشورهایی در حال توسعه می‌باشند، به همین علت ناهماهنگی و بی‌نظمی‌های اقتصادی و حقوقی در آن‌ها وجود دارد. این یعنی دور ماندن از اهداف اصلی این سازمان و نتیجه‌ای جز بی‌حاصلی این سازمان منطقه‌ای به همراه نخواهد داشت. از این‌رو این مطالعه، در درجه‌ی اول به بررسی شاخص تجارت در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی می‌پردازد و سپس تعیین‌کننده‌های اصلی تجارت را معرفی می‌نماید و در ادامه اثر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی با متوسط شاخص تجارت درون صنعتی در دوره ۱۵-۲۰۰۳ بسیار پایین است و زیربنای صنعتی و حقوقی مناسب و پیشرفته‌ای ندارند. سطح تجارت درون صنعتی بسیار پایین‌تر از کشورهای صنعتی است و به خصوص در کشورهای اتحادیه‌ی اروپا که متوسط شاخص تجارت درون صنعتی در حدود، ۶۹ درصد دارند. همچنین برخی از مناسبات سیاسی و روابط بین‌الملل بر عدم کارآمدی و پیشرفت این سازمان دامن زده است. این مقاله بر اساس مطالعه‌ی توصیفی و تحلیلی اسناد و منابع معتبر نگاشته شده است.

**کلید واژه‌ها:** حقوق بین‌الملل، تجارت، اعتبارسازی اراده‌گرا، اعتبارسازی قانون‌گرا، کشورهای عضو اکو.

ژورنال علمی و مطالعات فقهی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم یکی از ویژگی‌هایی که همواره مدنظر حقوق بین‌الملل بوده است رشد و توسعه‌ی همکاری در چارچوب روابط منطقه‌ای بوده است. یکی از سازمان‌هایی که متبلور از همین دیدگاه بوده است، «سازمان اکو»<sup>۱</sup> می‌باشد. این سازمان با رویکرد توسعه و همکاری اقتصادی شکل گرفته است. پس از فروپاشی شوروی سابق و جانشینی چندین کشور به جای شوروی سابق، بر تعداد اعضای اکو افزوده شد. به نحوی که می‌توان بیان داشت سازمان اکو از موقعیت ژئوپولیتیک<sup>۲</sup> خاصی برخوردار است (مرادی و اعظمی، ۱۴۰۰). این پژوهش در صدد است شاخص تجارت در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی بوده و سپس تعیین‌کننده‌های اصلی تجارت را معرفی می‌نماید و در ادامه اثر معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی را مورد بررسی قرار دهد. یکی از مواردی که در شاخص‌های تجارت بررسی می‌گردد تجارت درون صنعتی و بین صنعتی است.

در بحث عوامل تعیین‌کننده‌ی «تجارت درون صنعتی»<sup>۳</sup> ادبیات تحقیق زیادی وجود دارد. تجارت درون صنعتی پدیده‌ای تجربی بوده که در سال‌های اخیر وارد بحث‌های تجارت بین‌الملل شده است. تجارت درون صنعتی زمانی اتفاق می‌افتد که یک کشور کالاها یا خدماتی را که در یک صنعت مشابه تولید شده‌اند به طور همزمان صادر و وارد نماید. تجارت درون صنعتی از «تجارت بین صنعتی» متمایز می‌باشد. در تجارت بین صنعتی، یک کشور در تولید یک کالا یا خدمت تخصص می‌یابد و آن را به جای یک کالا یا خدمت متفاوتی که در آن مزیت نسبی ندارد صادر می‌کند. تئوری تجارت درون صنعتی می‌تواند در چارچوب توسعه یافته «تئوری همکشر، اوهلین، ساموئلسون»<sup>۴</sup> (H-O-S) به خوبی توضیح داده شود. بعضی تحقیقات همانند «لیپسی»<sup>۵</sup> (۱۹۷۶) و «پوم فرت»<sup>۶</sup> (۱۹۷۹) تناقض بین H-O-S و IIT را مورد بحث و جدل قرار داده‌اند. دیگران همانند «بالاسا»<sup>۷</sup> (۱۹۸۷)، «گروبل و لوید»<sup>۸</sup> (۱۹۷۵) و «کروگمن»<sup>۹</sup> (۱۹۸۱) استدلال نموده‌اند که اگر یکی از فرض‌های اصلی این تئوری ضعیف شود آنگاه «IIT» می‌تواند در چارچوب تئوری H-O-S توضیح داده شود. این فرض نیز وجود تابع تولید همگن خطی از درجه یک یعنی بازدهی ثابت نسبت به مقیاس می‌باشد. گروبل اثبات نمود که تفاوت بین دنیای واقعی و مدل اصلی H-O-S تضعیف فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس است. این مطالعه به صورت مقطعی و با استفاده از متوسط داده‌های سه رقمی «SITC»<sup>۱۰</sup> تجارت مربوط به دوره‌ی زمانی ۲۰۰۳ - ۲۰۱۵، ابتدا به بررسی شاخص تجارت درون صنعتی در کشورهای عضو اکو در مقایسه با

- 
1. ECO (Economic Cooperation Organization)
  2. Geopolitics.
  3. Intra-Industry Trade (IIT).
  4. The Heckscher-Ohlin-Samuelson Theory.
  5. Lipsey, R. E.
  6. Pomfret, R.
  7. Bela Balassa.
  8. Grubel and Lloyd.
  9. Krugman, P. R.
  10. Standard International Trade Classification

چهار کشور صنعتی اروپایی می‌پردازد و سپس تعیین‌کننده‌های اصلی<sup>۱</sup> تجارت درون صنعتی را در منطقه‌ی آکو معرفی می‌نماید (فلاحتی و سلیمانی، ۱۳۸۸).

### سازمان همکاری اقتصادی

سازمان همکاری اقتصادی<sup>۲</sup> یا آکو یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای است. سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه در سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) نخستین بار این سازمان را پایه‌ریزی کردند. این سازمان در ابتدا با نام «آر سی دی» (که نام اختصاری سازمان همکاری عمران منطقه‌ای است)، آغاز به کار کرد. پس از انقلاب ایران (۱۳۵۷)، در ایران، کار سازمان با وقفه مواجه شد و در سال ۱۳۶۴ با نام «آکو» حیات خود را از سر گرفت.

در بهمن ماه ۱۳۷۰ به دنبال فروپاشی شوروی، کشورهای جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به سازمان آکو پیوستند. پس از آنان با عضویت افغانستان، اعضا این سازمان به ۱۰ عضو رسید. این سازمان هم‌اکنون به جهت هم‌مرزی و نزدیکی به خلیج فارس و کشورهای قدرتمند روسیه، چین و هند و داشتن حدوداً ۳۳۰ میلیون تن جمعیت و ۶۹۷،۶۲۰ کیلومتر مربع وسعت کشورها، امکانات نفت، گاز و صنعت از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است (اعظمی و مرادی، ۱۴۰۰). اساسنامه این سازمان اهداف متعددی را بدر نظر گرفته است که از جمله آنان می‌توان به کمک به بهبودی شرایط توسعه‌ی اقتصادی پایدار در کشورهای عضو و حذف تدریجی موانع تجاری در این منطقه اشاره نمود. از دیگر اهداف آکو میتوان به تهیه برنامه‌ای مشترک برای توسعه‌ی منابع انسانی در این ده کشور اشاره کرد. همچنین آکو برای تسریع برنامه‌ی توسعه حمل و نقل و ارتباطات نیز فعالیت‌های متعددی را انجام می‌دهد. زبان رسمی سازمان همکاری‌های اقتصادی انگلیسی بوده و مقر اصلی آن نیز تهران ایران می‌باشد. به مناسبت پیوستن افغانستان و کشورهای قفقاز و آسیای میانه از جمله ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و آذربایجان به سازمان آکو و افزایش اعضای این سازمان از ایران، پاکستان و ترکیه یعنی ۳ کشور به ۱۰ کشور، روز هفتم آذر ماه ۱۳۷۱، به عنوان روز آکو نامگذاری شده است.

### تجارت درون صنعتی

تجارت درون صنعتی نهادی نوین در عرصه‌ی تجارت بین‌المللی شناخته می‌شود و معیاری نوین در بحث تجارت‌های بین‌الملل است. با توجه به این که سازمان آکو یک سازمان منطقه‌ای است لذا در بحث تجارت بین‌الملل به نهاد تجارت درون صنعتی می‌پردازیم. بیان گردید که تجارت درون صنعتی، یک کشور کالاها یا خدماتی را که در یک صنعت مشابه تولید شده به طور هم‌زمان صادر و وارد می‌نماید. جریان‌های تجارت بین کشورها در کالاهای مکمل به واسطه مزیت نسبی بر اساس تفاوت در موجودی عوامل و در یک محیط تجاری کاملاً رقابتی اتفاق می‌افتد. «پس از تجزیه و تحلیل تجارت درون صنعتی مشخص گردید در کشورهای صنعتی با شدت به کارگیری عوامل معین یک مبادله

1. Determinants.

2. Economic Cooperation Organization.

دو طرفه<sup>۱</sup> در یک گروه یکسان از کالاها رخ می‌دهد.» در واقع تجارت درون صنعتی، تجارت در کالاهای یکسان را مطرح می‌کند. لکن به جهت اینکه مصرف‌کنندگان در کشورهای مختلف یا حتی یک کشور دارای سلیقه همسان نیستند و تقاضاها نیز متفاوت است کالای مشابه جایگزین می‌گردد (گروبل و لیود، ۱۹۷۵).

بعد از «گروبل و لیود» مطالعات زیادی صورت گرفت که حاکی از آن بود که «یک اقتصاد بسیار پیشرفته و توسعه یافته، ساختار تجارت آن نیز بسیار تخصصی خواهد بود بنابراین کشورهای صنعتی تمایل دارند که سطح تجارت درون صنعتی بزرگ‌تری نسبت به کشورهای در حال توسعه داشته باشند، و به صورت یک زنجیره‌ی ناهموار کشورهای با سطح درآمد متوسط، سطوح تجارت درون صنعتی بالاتری نسبت به کشورهای با سطح درآمد پایین و سطوح تجارت درون صنعتی پایین‌تری نسبت به کشورهای صنعتی دارند.» افزایش صادرات نتیجه مستقیم بر افزایش سریع و چشمگیر تجارت درون صنعتی دارد به عنوان مثال افزایش صادرات موفقیت آمیز در کشورهای آسیای شرقی و تازه صنعتی شده باعث افزایش سطوح تجارت صنعتی نیز شده است. با توجه به این موضوع استنباط می‌گردد که سطوح بالای تجارت صنعتی نشان‌دهنده توانایی دوچندان در یک محیط تجاری است و کشورها برای مساعد نمودن شرایط خود با رقبای موجود، انعطاف بیشتری نشان می‌دهند (فلاحتی و سلیمانی، ۱۳۸۸).

تا به حال باید مشخص شده باشد که تجارت درون صنعتی نتیجه‌ی و اثر فزاینده‌ی تخصص است و یک علت وابسته به آن نیست. تعیین‌کننده‌های اصلی تمایل یک کشور به تجارت و رقابت در سطح بین‌المللی، جهت منطبق شدن با تغییرات، تحت تاثیر پیامدهای حاصل از سیاست‌های پولی-مالی، بازارهای عاملان تولید، سرمایه، تجارت بین‌الملل و محدودیت‌های تجارت همانند تعرفه‌ها و سهمیه‌بندی‌ها قرار می‌گیرند. به هر حال باید توجه داشت که مزیت‌های عمده‌ی تخصص، در مفهوم آزادسازی تجارت وجود دارد. به ویژه تخصص در درون صنایع یکسان، ممکن است هزینه کمتری نسبت به سرمایه‌گذاری جدید صنعتی داشته باشد و با توجه به این که تقاضای به نیروی کار کاهش می‌یابد، هزینه اجتماعی کمتری نیز تحمیل می‌گردد. مضافاً آن که تخصص افزایش یافته همانند یک تسهیل‌کننده عمل کرده و موجب رقابت و افزایش فعالیت‌های ابداعی، تکنولوژیکی و رشد جدید می‌گردد. تذکر این نکته ضروری است که مفسران بایستی در تفسیر نمودن تجارت درون صنعتی به عنوان شاخص تمایل محتاط باشند. از یک طرف کشور دارای تجارت درون صنعتی بالا عموماً قابلیت انعطاف بیشتری را نشان می‌دهد و بنابراین برای آزادسازی تجارت بهتر آماده می‌گردد. از طرف دیگر و برعکس می‌توان استدلال نمود که آزادسازی تجارت حتی فقط با اتحادیه اروپا می‌تواند سبب تحریک سرمایه‌گذاری و بهبود کارایی شود.

## 1. Two-Way Exchange

هووارد. پی. مارول و ادوارد. جان. ری. (۱۹۸۷) (Howard P, Marvel and Edward John Ray) نشان دادند که جریان‌های مبادله دو طرفه هنگامی اتفاق می‌افتد که شرایط برای تخصص بین‌المللی مناسب باشد که در این صورت با تجزیه و تحلیل استیلر-ویلیامسون از تقسیم کار سازگار می‌باشد. به علاوه نشان دادند که تجارت درون صنعتی اثر مهمی روی فشارهای حمایت از تولیدات داخلی دارد.

## 2. Grubel & Lloyd

### تجارت درون صنعتی در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)

همانطور که مطرح گردید سازمان همکاری اقتصادی یک سازمان منطقه‌ای می‌باشد. حال آن‌که تجارت درون صنعتی یک موضوع مرتبط با تجارت بین‌الملل است. لذا به تجارت درون صنعتی در کشورهای عضو اگو می‌پردازیم. در ذیل جدول (۱) شاخص تجارت درون صنعتی را برای کشورهای نمونه‌ی عضو اگو و پنج کشور صنعتی اروپا در دوره زمانی ۲۰۰۳-۲۰۱۵ بیان می‌نماید. در همه گروه‌های کالاها، مقدار شاخص تجارت درون صنعتی برای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی بسیار پایین می‌باشد. به نحوی که جمهوری آذربایجان با مقدار شاخصی برابر با ۱۲ درصد پایین‌ترین تجارت درون صنعتی و ترکیه با مقدار شاخصی برابر با ۳۸ درصد از بالاترین سطح شاخص تجارت درون صنعتی را در بین کشورهای عضو داراست. کشورهای صنعتی (کشورهای اروپایی) نمونه در مقایسه با کشورهای اگو از سطوح تجارت درون صنعتی قابل توجهی برخوردارند به نحوی که بالاترین سطح تجارت درون صنعتی با مقدار ۷۴ درصد متعلق به کشور فرانسه و پایین‌ترین آن متعلق به کشور ایتالیا با سطح ۵۹ درصد می‌باشد. به طور متوسط نیز مقدار شاخص تجارت درون صنعتی برای کشورهای نمونه اگو بسیار پایین و برابر ۲۲ درصد می‌باشد؛ این آمار مربوط به همه گروه‌های کالاها است. اما در کالاهای تولیدی یا ساخته شده<sup>۱</sup> سطوح شاخص تجارت درون صنعتی چشمگیری کرده است به عنوان مثال پایین‌ترین سطح تجارت درون صنعتی در کشورهای اگو با مقداری برابر با ۱۳ درصد مربوط به قزاقستان می‌باشد که شاخص تجارت درون صنعتی این کشور در کالاهای تولید نسبت به مقدار این شاخص در همه گروه کالاها تنزل نموده است که نشان دهنده پایین بودن سطح تولیدات صنعتی در این کشور می‌باشد. کشور ایران در تولیدات صنعتی بعد از ترکیه رتبه‌ی دوم را از نظر شاخص تجارت درون صنعتی برخوردار است و در مقدار شاخص تجارت درون صنعتی آن در همه‌ی گروه کالاها بسیار پایین بوده و رتبه‌ی دوم پایین‌ترین شاخص تجارت درون صنعتی را دارد (فلاحتی و سلیمانی، ۱۳۸۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## جدول ۱. شاخص تجارت درون صنعتی در کالاهای ساخته شده و همه گروه کالاها

Country	Manufactures	All Commodity
	<b>2003-15</b>	<b>2003-15</b>
Azerbaijan	0.1538	0.1278
Iran (Islamic Republic of)	0.2813	0.1384
Kazakhstan	0.1372	0.1671
Kyrgyzstan	0.2180	0.2169
Pakistan	0.1264	0.1428
Turkey	0.4227	0.3872
<b>Simple Average</b>	<b>0.2232</b>	<b>0.1967</b>
<b>Sample industrial Countries</b>		
France	0.8073	0.7490
Germany	0.7623	0.7270
Italy	0.6338	0.5927
United Kingdom	0.7239	0.7085
<b>Simple Average</b>	<b>0.7318</b>	<b>0.6943</b>

## حقوق بین‌الملل و معاهدات سرمایه‌گذاری

امروزه حقوق بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای در سطح جهان برخوردار است. در حقیقت حقوق بین‌الملل شاخه‌ای از علم حقوق است که شامل قوانین ناظر بر روابط دولت‌ها، سازمان‌ها و افرادی هست که حداقل یک عنصر خارجی و بین‌المللی دارا باشند. هرچند که تابعان حقوق بین‌الملل که شامل کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و اشخاص حقیقی هستند اما اشخاص حقیقی فقط در پرتو اصل حمایت سیاسی دولت متبوع خود دارای اعتبار توافقی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری خواهند بود.

منابع حقوق بین‌الملل شامل منابع اصلی مانند معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوق بین‌الملل و منابع فرعی شامل رویه‌ی قضایی، دکترین و اصل عدالت و انصاف می‌باشد اما منابع اصلی حقوق بین‌الملل، همه در یک سطح و اعتبار قرار دارند. در اصل عرف بین‌الملل که رویه‌ی و طرز عمل هر کشور چه بصورت فعل یا ترک فعل در مناسبات خود با کشورهای دیگر اعمال می‌کند که دارای عنصر مادی یعنی طرز عمل کشور بصورت تکرار رفتار مشابه و عنصر معنوی بصورت اعتقاد به الزام‌آور بودن عرف را تشکیل می‌دهد هیچ‌گونه سلسله مراتبی بین آن و معاهدات بین‌المللی وجود ندارد و اعتبار عرف بین‌المللی و معاهدات بین‌المللی برابر است و در صورت عدم تعارض بین آن دو، هر دو به قوت خود باقی خواهند ماند و در صورت وجود تعارض در موردیک قاعده عرفی بین‌المللی،

قاعده موخر قاعده مقدم را نقض می‌کند. همچنین مقررات قاعده مقدم تا جایی که بوسیله قاعده موخر اصلاح نشده باشد قابل اجرا می‌باشد.

قانون معاهدات بین‌المللی شامل تعهداتی است که کشورها در معاهدات صریحا و داوطلبانه بین خود می‌پذیرند. حقوق بین‌الملل عرفی از رویه‌ی منسجم دولت‌ها همراه با جبران عقاید، یعنی محکومیت دولت‌ها مبنی بر اینکه عمل منسجم توسط یک قاعده قانونی لازم است، حاصل می‌شود و بطور سنتی علاوه بر شواهد مستقیم رفتار دولت، به احکام دادگاه‌های بین‌المللی و همچنین آثار علمی به عنوان منابع اقناع کننده عرف نگاه می‌شود؛ بنابراین حقوق بین‌الملل با روابط بین کشورها یا روابط بین‌الملل در تعامل می‌باشد بطوری که ارتباط متقابل از اصل اعتبار سازی اراده‌گرا یا اعتبارسازی قانون‌گرا پیروی می‌کند. ساده‌ترین دریافت از اعتبار را می‌توان این گونه تشریح کرد که دولتی که به قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل تمکین کند اعتبار خوبی برای خود رقم خواهد زد و شریک معتبری قلمداد خواهد شد، در حالی که دولتی که در این محور ناکارآمد عمل می‌کند با رقم زدن یک اعتبار مخدوش برای خود، به شکل یک دولت بی‌اعتبار شناخته خواهد شد. به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که نقض تهدد یک دولت در زمان حال بر شیوه تعامل سایر دولت‌ها با دولت متخلف در آینده تاثیر خواهد داشت (دادمهر، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۴۵). بنابراین اعتبار عبارت است از مجموع قضاوت‌های انباشت شده دولت‌ها درباره رفتار پیشینی یک دولت در التزام به قانون که از آن برای پیش‌بینی رفتار یا عملکرد آتی همان دولت استفاده می‌شود. هر چند اعتبار یک دولت بیشتر باشد راحت‌تر می‌تواند در ترتیبات قراردادی بین‌المللی مشارکت داشته باشد، در چانه زنی‌های قبل از انعقاد قراردادها سهم بالاتری را به خود تخصیص بدهد و دولت‌های بیشتری را متمایل به همکاری با خود بیابد. در واقع اعتبار نیروی نهفته‌ی پشت توافقات و شاید حتی بتوان گفت تنها نیروی راهبر و پیش‌برنده‌ی اعتماد به توافقات بین‌المللی است (Mercer, 1997: 100-113). در مجموع اعتبارسازی قانون‌گرا در حقوق بین‌الملل عبارت است از برآیند قضاوت‌های مربوط به رفتارهای پیشین یک بازیگر که برای پیش‌بینی رفتارهای آتی آن به کار گرفته می‌شود. در زمینه حقوق بین‌الملل میزان اعتبار یک دولت با توجه به نسبت پایبندی آن دولت به اجرای تعهدات حقوقی‌اش تعیین می‌شود. بر این اساس سایر دولت‌ها دست به قضاوت درباره اعتبار یکدیگر می‌زنند و از مجموع قضاوت‌هایشان درباره چگونگی رفتار ارائه شده به عنوان یک ابزار اعتباری جهت برآورد دقیق میزان پایبندی به تعهدات آتی استفاده می‌کنند (دادمهر، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۴۵). در نتیجه اعتبار یک کشور در حقوق بین‌الملل تمایل کشورهای دیگر را در برقراری روابط از جمله معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی طلب می‌کند.

معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی که عمدتاً شامل معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری می‌شوند، در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ به منظور تنظیم امور سرمایه‌گذاری بین‌المللی، شکل گرفتند. ایجاد این نوع جدید از معاهدات بین‌المللی، در شرایطی که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی بعد از پایان جنگ جهانی دوم خیلی رونق گرفت، در واقع جبران‌کننده این نقص حقوق بین‌الملل کلاسیک بود که به ندرت امور سرمایه‌گذاری بین‌المللی را تحت پوشش خود قرار می‌داد. از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، رشد فزاینده‌ای داشته‌اند. تعداد معاهدات



سرمایه‌گذاری بین‌المللی تا پایان سال ۲۰۰۶ به ۵۵۰۰ مورد رسیده که بسیار بیش‌تر از تعداد معاهدات بین‌المللی در سایر زمینه‌های حقوق بین‌الملل است و این تعداد همچنان در حال افزایش است. در همان حال، یعنی تا سال ۲۰۰۷، تعداد پرونده‌های داوری گزارش شده در خصوص سرمایه‌گذاری، که مبتنی بر معاهدات سرمایه‌گذاری بودند، به ۲۹۰ مورد رسید. تعداد اختلافات بین‌المللی ارجاع شده به داوری نیز همچنان در حال افزایش است. پویایی قابل ملاحظه رویه معاهده‌ای سرمایه‌گذاری بین‌المللی، برخی مفسرین را متقاعد ساخته که امروزه بیش‌ترین پیشرفت‌ها مربوط به معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی است (کونگ یان، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۹۱).

پویایی معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، بدون شک نیروی محرکه‌ای برای اثرگذاری بر اجرای حقوق بین‌الملل عرفی، به عنوان یک منبع اصلی حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. مطابق با نظر یان براونلی، اگر انسجام و عمومیت رویه اثبات شود، هیچ‌گونه دوره‌ی زمانی خاصی لازم نیست؛ چرا که گذر زمان مطمئناً بخشی از دلیل بر عمومیت و انسجام رویه خواهد بود. «لی هائویی» در این خصوص نظر مشابهی دارد و بر این باور است که دوره زمانی باید در هر مورد خاص، به تراکم روابط بین‌المللی خاص بستگی داشته باشد (همان: ۲۶۳-۲۹۱). بر اساس ملاحظاتی که در بالا مطرح شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر چه برای تکوین قواعد عرفی، در کنار رویه عام، عموماً نوعی شرط معنوی نیز به عنوان عنصر ضروری مطرح می‌شود، اما چنین شرطی لزوماً عامل الزام‌آور مطرح نمی‌شود. مطابق با نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و نظر بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی، سندیت قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از این سه منبع قابل استخراج است: روابط دیپلماتیک بین‌الدولی که به شکل معاهدات، اعلامیه‌ها و سایر اسناد دیپلماتیک بین‌الدولی است؛ عملکرد نهادهای بین‌المللی که به صورت تصمیمات، آرای و غیره جلوه‌گر می‌شود؛ اقدامات بین‌الدولی که در قالب حقوق، قواعد، تصمیمات قضایی، اداری و غیره مطرح می‌شود. اما روشن نیست که آیا روش‌های مختلف تکوین قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، اعتبار و ارزش متفاوت دارند یا خیر. در هر حال، بدیهی است که این اختلاف نظرها از نقشی که معاهدات، بالاخص انواع مختلف معاهدات، در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل عرفی ایفا می‌کنند، ناشی می‌شود. لازم به ذکر است که راجع به تأثیر معاهدات در تکوین قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، نباید مبالغه کرد. دلیل آن هم این است که بر عکس رویه‌ی دولتی در عرصه‌ی داخلی که در آن، دولت‌ها بر مبنای اراده و انتظارات واقعی‌شان آزادی عمل دارند، در عرصه بین‌المللی، سیاست قدرت منجر به ایجاد وضعیتی می‌شود که در آن مبادلات متعدد دیپلماتیک بین‌الدولی، شامل مذاکره و انعقاد معاهدات، در بسیاری از موارد، تنها نتیجه کشمکش‌های سیاسی و حتی فشارهای زیاد است. به عبارت دیگر، بسیاری از معاهدات بدون اراده‌ی آزاد طرفین متعاهد منعقد می‌شوند. لذا باید در خصوص تشخیص عنصر معنوی ناشی از معاهدات، محتاط بود. همچنین در مذاکرات مرتبط با معاهدات دو جانبه و چند جانبه، غالباً نابرابری فاحشی بین قدرت‌های مذاکره‌کننده وجود دارد. در مذاکرات مربوط به معاهدات چند جانبه، که همه دولت‌های مذاکره‌کننده در آن شرکت دارند، ممکن است ساز و کار بازی چند جانبه تا اندازه زیادی این اختلاف قدرت موجود میان دولت‌های مذاکره‌کننده را جبران سازد. به هر صورت، دیوان بین‌المللی دادگستری به هر نحو از ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل عرفی توسط رویه معاهده‌ای حمایت می‌کند. کنوانسیون ۱۹۶۹

وین در زمینه‌ی حقوق معاهدات، نسبت معاهدات مانع موضع مثبتی دارد. همان طور که ماده‌ی ۳۸ کنوانسیون مزبور مقرر می‌دارد که قاعده‌ی مقرر در یک معاهده، که به عنوان یک قاعده‌ی عرفی حقوق بین‌الملل شناخته شده است و با توسعه‌ی تدریجی به رسمیت شناخته شده، برای کشور ثالث الزام‌آور گردد. حاکمیت بین‌المللی قانون، معاهدات میان کشورها، بالاخص آن‌هایی که مربوط به حاکمیت بین‌المللی قانون هستند یا روابط مطلوب کشورها با همدیگر را فراهم می‌سازند، راحت‌تر می‌توانند به اعتقاد حقوقی منجر شوند. علاوه بر آن، در مقایسه با سایر فعالیت‌های بین‌الدولی، مثل بیانیه‌های دیپلماتیک و یادداشت‌ها یا سخنرانی‌های سران دولت‌ها، انعقاد معاهده توسط نمایندگان دیپلماتیک و به ویژه تصویب چنین معاهداتی توسط قانونگذار ملی، قطعاً یک عمل حقوقی کاملاً رسمی محسوب می‌شود و از این رو باید تلقی حقوق و تعهدات قانونی مقرر شده در فرایند انعقاد و تصویب معاهده را انتظار داشت (همان: ۲۶۳-۲۹۱).

### چالش‌های حقوق بین‌الملل و سازمان همکاری اقتصادی

سازمان همکاری اقتصادی آنچنان که مدنظر اعضا بوده است تا به امروز پیشرفت نداشته است و اهدافی که مدنظر اعضا بوده است حاصل نشده است. حقوق‌دانان و صاحب نظران متفق‌القول بیان داشته‌اند که مسائل حقوقی و سیاسی و مناسبات دیپلماتیک، بسیار بر پیشرفت این سازمان تاثیر گذار بوده است.

در عرصه منطقه‌ای و بین‌الملل سازمان‌های متعددی اقتصادی همچون اکو وجود دارد. سازمان همکاری اقتصادی تا سازمان‌های مشابه هیچ‌گونه همکاری و مراودتی نداشته است. این می‌تواند یکی از موانع مهم این سازمان در عرصه بین‌الملل باشد.

در عرصه بین‌الملل ما با قوانین حاکم بر تجارت و بازرگانی به صورت متحد شکل روبرو می‌باشیم. از این رو کنواسیون‌های متعدد، رویه‌های متعدد و عرف‌های متعدد را متبلور می‌گردد و همچنین برخی کشورها یا سازمان‌ها با مقررات ارشادی را مطرح می‌نمایند. علت این موضوع نیز درک و تعریف مفاهیم یکسان توسط کشورها مختلف با توجه به قوانین و مقررات خاص خود می‌باشد. بنابراین مهم‌ترین هدف این که عملاً خواهان توسعه برای دول عضو می‌باشد با چالش روبرو می‌گردد. در واقع بنظر می‌رسد در خصوص اکو باید هم‌گرایی منطقه‌ای بین کشورهای عضو صورت بگیرد بدین معنا که اعضا در یک کل ادغام شوند اما این موضوع با برخی مسائل سیاسی تداخل داشته لذا نیازمند یک هم‌گرایی قانون می‌باشد. این موضوع علاوه بر بهبود اوضاع اقتصادی و توسعه‌ی پایدار موجب ایجاد یک بلوک قدرتمند در منطقه می‌گردد (قوام، ۱۳۸۴). در واقع در عرصه بین‌الملل قواعد و هنجارها برای اینکه پذیرش پیدا کنند نیازمند این می‌باشند که در قالب یک معاهده، اساسنامه، قطعنامه و غیره منتشر گردیده تا شناسایی گردد حال آن که همین قواعد و هنجارها نیز برگرفته از عرف بین‌الملل می‌باشد. بنابراین قواعد بین‌المللی با معاهدات و عرف به نحوی ارتباط دارند و وجود آن‌ها لازم و ملزوم یکدیگر است (کمالی و همکاران، ۱۳۹۵).

در عرصه بین‌الملل هر کشور دارای اراده و استقلال می‌باشد اما در حوزه منطقه‌ای، کشورهای اروپایی و ایالت متحده آمریکا، با نفوذ در کشورهای در حال توسعه مانع پیشرفت و وابستگی و وابستگی آنان به فرامنطقه می‌گردد

(شهابی و شیخ الاسلامی، ۱۳۸۶). همچنین در برخی موارد مانند وضعیت کشور افغانستان با ایجاد جنگ موجب آسیب جدی به زیرساخت‌های اقتصادی و نظام تجاری این کشور می‌گردند. مضافاً این که این مسئله باعث برهم‌نظم منطقه‌ای و ناامنی‌های بسیاری می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی با متوسط شاخص تجارت درون صنعتی در همه گروه کالاها برای دوره ۲۰۰۳-۱۵ بسیار پایین می‌باشد و زیربنای صنعتی و حقوقی مناسب و پیشرفته‌ای ندارند. این سطح تجارت درون صنعتی به طور قابل ملاحظه پایین‌تر از مقدار به دست آمده در کشورهای صنعتی است و به خصوص در «کشورهای EU»<sup>۱</sup> که متوسط شاخص تجارت درون صنعتی در حدود ۶۹ درصد است که تقریباً ۳.۵ برابر سازمان اکو است.

یافته‌های تجزیه و تحلیل‌های اقتصادسنجی تعیین‌کننده‌های تجارت درون صنعتی نشان می‌دهد که سطوح تجارت برای کشورهای اکو نسبت به کشورهای توسعه یافته عضو اکو کمتر است. به طور کلی این نتایج نشان می‌دهند که اگر کشورهای اکو اقداماتی را برای نظم اقتصادی، معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی و حقوقی، افزایش آزادسازی تجارت و تنوع دادن به سطح صنعتی خود انجام دهند سطوح و مقادیر تجارت درون صنعتی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهند یافت. اگر این کشورها بتوانند در صنایع موجود به واسطه تجارت درون صنعتی بزرگتر به تخصص دست یابند، ممکن است به سودهای اقتصادی قابل توجهی برسند با توجه به اینکه در یک دوره زمانی معین تعدیل هزینه‌ها در حداقل می‌باشد. همچنین استنباط گردید سطح شاخص تجارت درون صنعتی در کشورهای عضو اکو نسبت به کشورهای نمونه صنعتس بسیار پایین‌تر است که نشان از تخصص پایین این کشورها در تولید کالاها می‌باشد.

در مسئله سازمان اکو مسائل حقوق بین‌الملل نیز بسیار تاثیرگذار است به نحوی که تمام این موارد اقتصادی و کم و کاستی‌های موجود ناشی از مسائل حقوق بین‌الملل است و روابط و اختلافات سیاسی نیز بر این موضوع دامن زده است. به نظر می‌رسد در عرصه تجارت در منطقه اکو نیازمند یک معاهده یا قطعنامه جدی از سوی اعضا بوده تا به اختلافات و مسائل سیاسی پایان دهد و بر بهبود اوضاع اقتصادی که مهم‌ترین هدف این سازمان نیز بوده است کمک کند.

## منابع

- اعظمی، هادی و مرادی، امین. (۱۴۰۰). جایگاه ژئوپولیتیکی سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو در تقویت سیاست همسایگی ایران و همسایگان، اولین همایش ملی ایران و همسایگان، تهران.
- دادمهر، هادی. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل در برابر روابط بین‌الملل، بررسی میان رشته‌ای مفهوم اعتبار، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۶(۴)، ۱۲۳-۱۴۵.
- شهابی، سهراب و شیخ‌الاسلامی، محمدحسن. (۱۳۸۶). آیا می‌توان در انتظار پیشرفت اکو ماند؟، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۷(۳)، ۱۳۹-۱۹۱.
- فلاحی، علی و سلیمانی، سعید. (۱۳۸۸). تجارت درون صنعتی و عوامل تعیین کننده‌ی آن در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO)، پژوهشنامه‌ی علوم اقتصادی، ۹(۱-۳۷ پیاپی)، ۷۷-۸۹.
- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۸۴). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
- کمالی، محبوبه، عبدلی، مهران، باستان، الناز و خرمی، علیرضا. (۱۳۹۵). جایگاه حقوق بین‌الملل در عرصه جهانی شدن، چهارمین کنفرانس پژوهش در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ، روسیه.
- کونگ یان، کای. (۱۳۸۸). معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، ترجمه حجت سلیمی ترکمانی، مجله‌ی حقوق بین‌المللی، نشریه‌ی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ۲۶(۴۱)، ۲۶۳-۲۹۱.

## References

- Balassa, B., & Bauwens, L. (1987). Intra- industry specialization in a multi-country and multi-industry framework. *The Economic Journal*. 388, 923-939.
- Grubel, H. & Lloyd, P. (1975). *Intra-industry trade: The theory and measurement of international trade in differentiated products*. Macmillan: London.
- Krugman, P. R. (1981). Intra-industry specialization and gains from trade. *Journal of Political Economy*. 89, 959-973.
- Lipsey, R. E. (1976). Review of Herbert G. Grubel and P. J. Lloyd's Intra-Industry. *Journal of International Economics*, 6, 312-314.
- Mercer, J. (1997). Reputation and rational deterrence theory. *Security Studies*, 7(1), 100-113.
- Pomfret, R. (1979). Intra-industry trade in intraregional and international trade. In H. Giersch (Ed.) *On the economics of intra-industry trade*. Tubingen: Symposium.